

مکثی بر طرح «ضرورت عقلانیت سیاسی، واقعبینی و گفتگوی سیاسی»

برای اولین بار است که ، بعد از پنج سال حاکمیت طالبان یک فیگور سیاسی طالبان از ضرورت عقلانیت، واقع بینی و گفتگوی سیاسی سخن میزند.

ولی وی از این عقلانیت ، واقعبینی و شرایط یک گفتگوی سیاسی توضیحات نداده است. انس حقانی، عضو بلند پایه امارت اسلامی، بر «ضرورت عقلانیت، واقع بینی و گفت وگویی سیاسی» در افغانستان تأکید کرده و خواستار شکل گیری گفتمانی دور از احساسات و هیجان ها شده است. او در یادداشتی گفته است که سیاست موفق باید بر پایه تدبیر، درک دقیق شرایط و پیش بینی تحولات استوار باشد و سیاستمداران نباید تحت تأثیر احساسات تصمیم بگیرند.

حقانی همچنین از قشر تحصیل کرده و آگاه کشور خواسته است برای ایجاد مسیر تازه در گفت وگوهای سیاسی تلاش کنند و در زمان اختلاف، نظر مخالف را بشنوند و انصاف را رعایت کنند. او افغانستان را «خانه مشترک» همه افغان ها دانسته است.

علاوه بر آن آقای طاهر شاه صدیقی که با نام مستعار ذبیح الله مجاهد معرفی بوده است، هم آخرین در مصاحبه اش از مشکلات در عرصه های مختلف سخن زده و اعتراف نموده است که گویا امارت اسلامی در پنج سال حاکمیت نتوانسته بر آنها فایق آید. او در حالیکه از نام گرفتن و توضیح مشکلات راه گریز را انتخاب نموده است، معضله حاکمیت و منبر را بحیث یک فاکت گنگ ولی در تقابل بیان نموده ولی در نهایت باز هم بر ارجحیت منبر تأکید نموده است.

نکته بحث ما این است که در بیان دیدگاه های متکی بر حق و عدالت شهروندی ، در سیاست و حکومتداری باید شفافیت ، وضاحت و صداقت معیار عمل باشد.

تجارب تلخ از ۲۳ سال جنگ طالبان (دوره جنگ با تنظیم های جهادی و دوره ۲۱ سال جمهوری (و ۱۰ سال حاکمیت طالبان در دو دوره حاکمیت که ده ها هزار هم وطنان ما در نتیجه ارتکاب شدیدترین جنایات و جرایم جنگی، اعدام های بدون محاکمه، انفجارات انتحاری ، نقض وحشتناک حقوق شهروندی، زندانی کردن ها و شکنجه ها تا تعرض به حیثیت و سلب همه حقوق انسانی زنان را یا بکام مرگ برد و یا شدید ترین آسیب های جسمانی و روانی را آورد، بیان یک واقعیت است و آن هم شک و گمان به صداقت است که اکنون به عقلانیت سیاسی و واقعبینی و گفتگو های سیاسی در افغانستان، بدون توضیحات ضروری ، اشاره می گردد . تأکید بر ارجحیت منبر بر حکومت داری متکی بر قانون و ارزش های جامعه بشری و ارزش های حقوق بشری هم چنان این شک و گمان ها را در تغییر در سیاست طالبان بر بنیاد ایدیالوژی طالبانیزم ، تبعیض ، تداوم فشار و محدودیت ها را بیشتر و پروسه ها را پیچیده تر ساخته است.

از نظر ما عقلانیت سیاسی، بحیث یک مفهوم بنیادی در علوم سیاسی، فلسفه سیاسی نه تنها اندیشیدن و بیان کردن است بلکه تصمیم درسیاست عملی است که باید اهداف و امکانات واضح و نتایج آن قابل پیشبینی و اعتماد باشند که در آن سیاست باز، تعیین اهداف مشترک و تغییر در روبرو اجتماعی را در قبال داشته باشد. یعنی درک عمیق و بکارگیری عقلانیت سیاسی در واقعیت یک تلاشی برای کنش های سیاسی، و سیاست فراتر از تعصبات و منافع یک حلقه محدود بر پایه استدلالات، شناخت واقعیت های اجتماعی باشد.

هدف عقلانیت سیاسی تنها مفهوم عاقل بودن نیست بلکه انتخاب ابزار های دقیق و حسابی شده در تصمیم گیری، نحوه تعیین اهداف سیاسی، انتخاب ابزارهای مناسب و با در نظر گرفتن شناخت از ساختار اجتماعی، اتنیکی، مذهبی، کلتوری در یک آسیب شناسی علمی- تاریخی عاری از احساسات و تمائلات منفی ناشی از عقب مانده گی فکری و ایدئالوژیک باشد.

به گفته ماکس وبر عقلانیت سیاسی باید متکی بر «کنش عقلانی معطوف به هدف» و «کنش عقلانی معطوف به ارزش» باشد.

یورگن هابرماس عقلانیت سیاسی را در دستیابی تفاهم کنشگران میبیند، او تأکید میکند که یک تصمیم سیاسی زمانی از مشروعیت عقلانی بیشتری برخوردار است که بتوان آن را از طریق گفت و گوی آزاد، استدلال عمومی و مشارکت شهروندان مورد بررسی و دفاع قرار داد.

دربعد عقلانیت سیاسی صرفاً محاسبه قدرت و منافع نیست؛ بلکه با ارزش هایی مانند عدالت، آزادی، کرامت انسانی، حقوق شهروندی و مسئولیت اجتماعی اند، نه نقض حقوق اساسی شهروندی. عقلانیت سیاسی در بعد سهمگیری عبارت از مشارکت در تصمیم گیریها و سهم در سیاست ها، نقد و گفت و گوی عمومی میباشد.

البته معیار عقلانیت سیاسی منافع عمومی یک ملت است و تضمین کننده تعادل منافع متفاوت اجتماعی می باشد. در یک جامعه پیچیده مانند افغانستان ما، منافع شهروندان یکسان نیست و تعارض میان آنها یک امری طبیعی است. عقلانیت سیاسی در چنین شرایطی به معنای حذف تعارض نیست؛ بلکه به معنای مدیریت مسالمت آمیز تعارض و یافتن راه حل های است که بتوانند بیشترین حد رضایت و ثبات اجتماعی را ایجاد کنند. خلاصه عقلانیت سیاسی با مفاهیمی مانند حکومت خوب، پاسخ گوئی، شفافیت، قانون مداری، مشارکت سیاسی و توسعه پایدار پیوند مستقیم دارد. نظام سیاسی زمانی عقلانی تر عمل می کند که تصمیم های آن قابل توضیح و ارزیابی باشند.

گفته های آقای حقانی در حالی صورت میگیرد که مردم افغانستان در داخل و خارج کشور از یک جهت از شدید شدن و تداوم سیاست های سخت گیرانه تیم قندهار بر زنان، دختران، جوانان، تداوم سیاست های تبعیضی، برخورد با علوم، تمدن و آزادی های انسانی شدید برای امروز و آینده به تشویش اند، از جهتی دیگر از آغاز و وسعت جنگ های داخلی در ترس و تشویش اند.

تداوم این سیاست های سختگیرانه از دیدگاه آگاهان و مردم تحت فشار رژیم واقعیت های دردناک اند که با

عقلانیت ، وسعت نظر و سیاست گفتمان فرسنگ ها فاصله داشته و دارند.

برخورد حقوقی و استدلال فارغ از تمائلات و تفکر عقب مانده ، ولی با فرهنگ و بینش وسیع از تمدن ، موضوع عقلانیت را درک و تمکین بر واقعیت های جامعه ما ، در نظر داشت تمام خصوصیات جامعه ملی و ضرورت احیای داخل شدن به ارزش های بین المللی و حقوق انسانی متکی بر کنوانسیون های بین المللی و قدم های متین و برگشت ناپذیر بر رفتن به طرف مشروعیت ملی و بین المللی تلقی میگردد. بدون شک عقلانیت باز کننده تفکر و انگیزه برای عمل بر درک واقعیت ها و واقعینی ها تلقی میگردد. باز کردن گفتمان های وسیع با حلقات مختلفه اجتماعی ، سیاسی و مذهبی در قدم اول ایجاد اعتماد دوامدار بر تداوم تماس ها ، شنیدن نکات نظر طرف های دیگر ، بدون لینک دادن به شریعت و تفسیر های شریعت خاص طالبانیزم و مارک کفر و الحاد زدن مسائلی اند که میتواند در قدم اول اعتماد بر گفتمان ها را ایجاد کند.

قابل تأکید است که هر گونه گفتمان با احاد ملت و نماینده گان واقعی شان میتواند گامی برای اعتماد سازی باشد. در هر گونه گفتمان ها باید با طرف های نماینده گاه واقعی زنان ، اقوام ، گروه های سیاسی ونماینده گان مذاهب افغانستان باشند. ، نه با مهره های سوخته و چهره های بدنام که مسئول فسادهای بزرگ مالی و اخلاقی ، کانالهای زنجیری مافیائی، غاصبان زمین های شخصی و دولتی.. برای آقای حقانی بسیار مهم و برای ملت یک موضوع قابل کنجکاوی خواهد بود که بدانند، هدف و توضیح آقای حقانی چه خواهد بود و بر کدام اصول استوار اند.